

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گونه‌شناسی مباحث مهدویت در فرمایشات امام رضا (ع)

نگارنده:

خدا مراد سلیمانیان

چکیده

مهدویت به عنوان اعتقادی اساسی همواره در میان باورهای اسلامی مورد اهتمام و توجه پیشوایان و بزرگان دین بوده و هست .

اگر چه اقتضا و شرایط و نیز مخاطبین هر دوران سبب شده تا از مجموع معارف مهدوی در هر دوره، بخشی مورد اهتمام و تأکید قرار گیرد. والبته این بحث با پشت سر نهادن فراز و فرودهایی همچنان رو به رشد و گسترش است.

در میان میراث گرانسنگ روایی موجود روایات وجود مقدس ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) سهم چشم‌گیری در مباحث مهدوی داشت .

البته شمار محدود این روایات سبب شده تا بسیاری از مباحث مهدویت در سخنان آن امام همام انعکاس نیابد اما هر آنچه در فرمایشات آن بزرگوار آمده، غنیمتی است ارزشمند که بررسی آن می‌تواند افق‌های روشن‌تری را در این مباحث فراروی مشتاقان بگشاید.

در این نوشتار بر اساس سیر تاریخی مباحث مهدوی با بهره‌مندی از سخنان آن امام همام به مباحث یادشده در کلام نورانی امام هشتم علیه الصلاه و السلام پرداخته شده است. که از این قرار است:

۱- ولادت حضرت مهدی(عج)

در بحث مربوط به ولادت آن حضرت به موضوعاتی چون:

- فلسفه مخفی بودن ولادت حضرت

- امتحان شیعیان

پرداخته شده است.

۲- ویژگی‌های حضرت مهدی(عج)

در بحث ویژگی‌ها به موضوعات زیر اشاره شده است:

- حرمت نام بردن

- خاتمیت مهدی

۳- غیبت حضرت مهدی(عج)

در بحث غیبت موضوعاتی از این قرار بحث شده است:

- چگونگی غیبت

- فلسفه غیبت

در بحث فلسفه غیبت آن حضرت به این موارد اشاره کرده‌اند:

- زیر بیعت کسی نبودن

- آزمایش‌های سخت

- خضر از همراهان مهدی در عصر غیبت

۴- انتظار حضرت مهدی (عج)

در موضوع مهم انتظار آن حضرت به بحث فضیلت انتظار فرج پرداخته است:

۵- اشتیاق امام رضا (ع) به حضرت مهدی (عج)

که در برخورد امام رضا در برابر شعر دعبل به روشنی بیان شده است.

۶- ظهور حضرت مهدی (عج)

در بحث ظهور به موارد زیر پرداخته شده است:

- ویژگی‌های جسمانی مهدی هنگام ظهور

- نشانه‌های ظهور

- ندای آسمانی

- امدادهای الهی در عصر ظهور

- نزول فرشتگان

۷- قیام حضرت مهدی (عج)

- انتقام حضرت مهدی از قاتلان امام حسین (ع)

۸- رجعت

۹- نزول حضرت عیسی (ع)

مقدمه

مهدویت به عنوان باوری سترگ و تأثیرگذار در میان باورهای اسلامی از همان سال‌های نخستین بعثت پیامبر خاتم (ص) و ظهور اسلام در کانون اهتمام و توجه پیشوایان و بزرگان دین قرار گرفت؛ به گونه‌ای که رسول گرامی اسلام (ص) در هر فرصت و مناسبتی مردم را

متوجه این آموزه الهی می‌کرد و به ظهور عدالت‌گستر موعود، در آخرالزمان بشارت می‌داد .

پس از پایان رسالت پیامبر اکرم (ص) این راه همچنان به وسیله امامان معصوم (ع) با قوت و قدرت هرچه بیشتر به تناسب شرایط هر امام ادامه یافت.

البته اقتضا و شرایط و نیز مخاطبین هر امام سبب شد تا از مجموع معارف مهدوی در دوره هر امام، به بخشی از آن پرداخته و تأکید شود. برخی از امامان مجال کمتر و برخی دیگر فرصت بیشتری برای سیراب کردن تشنگان از این دریای بی‌کران در اختیار داشتند. اگر چه این بحث فراز و فرودهایی را پشت سر نهاد اما هرگز به افول نزدیک نشد که بر دامنه آن گسترده شد. بویژه در دوران پیشوایانی که به هر دلیل از آزادی بیشتری در بیان آموزه‌های دینی برخوردار شدند .

در زمان امام باقر و امام صادق (ع) این مجال و فرصت به اوج خود رسید و آن دو امام بزرگوار ضمن تبیین، تشریح، پالایش و پیرایش آموزه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و فقهی و تحکیم پایه‌های ایمانی پیروان خود، تلاش فراوانی برای توسعه و تعمیق اعتقاد به مهدی موعود و فرهنگ انتظار در میان شیعیان نمودند و با به جا گذاردن صدها روایت در این زمینه، سهم بی‌مانندی در نگه‌داشت این باور به خود اختصاص دادند. سوکمندانه پس از این دو امام همچون گذشته رفته رفته، پیشوایان معصوم در تنگناهایی شدید قرار گرفته در بیان معارف دینی دچار محدودیت‌هایی شدند؛ اما با وجود این همچنان روایات مهدوی میراث نویدبخش و گرانسنگی بود که از ناحیه رهبران معصوم (ع) در اختیار شیعیان قرار می‌گرفت.

بررسی‌ها حکایت از آن دارد که پس از دو امام یادشده و پیش از امام حسن عسکری (ع) وجود مقدس ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) سهم چشم‌گیری در روایات مهدوی داشت .

البته شمار محدود این روایات سبب شده تا بسیاری از مباحث مهدویت در سخنان آن امام همام انعکاس نیابد اما هر آنچه در فرمایشات آن بزرگوار آمده، و اینک به دست ما رسیده است، غنیمتی است ارزشمند که بررسی آن می‌تواند افق‌های روشن‌تری را در این مباحث فراروی مشتقان بگشاید.

ما در این نوشتار بر آن هستیم تا بر اساس سیر تاریخی مباحث مهدوی با بهره‌مندی از سخنان آن امام همام به مباحث یادشده در کلام نورانی امام هشتم علیه الصلاه و السلام بپردازیم.

بررسی‌ها نشان می‌دهد به طور عمده روایات آن حضرت در محورهای زیر است:

۱- ولادت حضرت مهدی (عج)

یکی از حوادث مهم در تاریخ بشر، ولادت آخرین ذخیره الهی و موعود امت‌ها حضرت مهدی (عج) است به گونه‌ای که اصل ولادت آن حضرت، جزو مسلمات تاریخ به شمار می‌آید و نه تنها امامان معصوم (ع) و دانشمندان و تاریخ‌نویسان شیعه به این مهم اشاره کرده‌اند؛ بلکه مورخان و محدثانی چند از اهل سنت نیز به این حادثه بزرگ تصریح نموده، آن را یک واقعیت تحقق یافته دانسته‌اند. این ولادت نقطه عطفی در تاریخ زندگی بشر بر روی کره زمین است.

فلسفه مخفی بودن ولادت حضرت

یکی از ویژگی‌های مهم ولادت حضرت مهدی (عج)، مخفی بودن آن است. این امر در سخنان معصومین (ع) مورد اشاره قرار گرفته و با تعبیر متفاوت و فراوانی به آن اشاره شده است! و برخی از امامان به فلسفه این مخفی بودن نیز اشاره کرده‌اند. از جمله روایت زیر است:

ایوب بن نوح گوید به حضرت رضا (ع) عرض کردم: من امیدوارم که شما صاحب الامر باشید، و خدا امر امامت را بدون شمشیر و خونریزی به شما رساند، زیرا برای شما (به ولایت عهدی مأمون) بیعت گرفته شده و به نام شما سگّه زده‌اند، حضرت فرمود: هیچ کس از ما خاندان نیست که مکاتبات داشته باشد و با انگشت به سویس اشاره کنند و از او مسأله بپرسند و اموال برایش برند، جز اینکه یا ترور شود و یا در بستر خود بمیرد.

^۱ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۶۷.

...حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِّنَّا خَفِيَ الْوِلَادَةَ وَالْمَنْشَأَ غَيْرَ خَفِيٍّ فِي نَسَبِهِ؛^۱ تا زمانی که خدا برای این امر (امامت) کودکی را از ما خاندان مبعوث کند که ولادت و وطن او نهانست ولی نسبت و دودمانش نهان نیست.

مرحوم نعمانی این روایت را به صورت «غُلَامًا مِّنَّا خَفِيَ الْمَوْلِدِ»^۲ نقل کرده است. شیخ صدوق نیز این روایت را نقل کرده است با این تفاوت که به جای «غُلَامًا مِّنَّا» «رَجُلًا» ذکر کرده است. البته اگر چنانچه «غُلَامًا» را بپذیریم اشاره به امر امامت آن حضرت در سن کودکی و اگر «رَجُلًا» را بپذیریم اشاره به امر قیام جهانی آن حضرت است . از آنجایی که هر سه روایت به یک نفر می‌رسد به نظر می‌رسد یک روایت باشد.

—امتحان شیعیان

یکی از حکمت‌های پنهانی‌های زندگی حضرت مهدی (عج) آزمایش مردم است. از آن جا که این نوع آزمایش، به دلیل عدم حضور ظاهری امام، بسیار مشکل و طاقت‌فرسا است، در تکامل روحی انسان‌ها نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. با این آزمایش است که آشکار می‌شود چه کسی ثابت قدم و استوار، و چه کسی در ایمان و اعتقاد سست و مردد است. محمد بن ابی یعقوب بلخی^۳ گوید: شنیدم که امام رضا (ع) فرمود :

إِنَّكُمْ سَتُبْتَلُونَ بِمَا هُوَ أَشَدُّ وَأَكْبَرُ تَبْتَلُونَ بِالْجَنِينِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالرَّضِيعِ حَتَّى يُقَالَ غَابَ وَمَاتَ وَ يَقُولُونَ لَا إِمَامَ وَقَدْ غَابَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ غَابَ وَ غَابَ وَ هَا أَنَا ذَا أُمُوتُ حَتْفَ أَنْفِي؛^۴ شما در آتیه نزدیک به چیزی هر چه شدیدتر و بزرگتر آزمایش خواهید شد، به طفلی در شکم مادر خود، و کودکی شیرخوار امتحان خواهید شد تا آنکه گفته شود از دیده‌ها پنهان شد و مرد، و بگویند: دیگر امامی نیست، در حالی که رسول خدا (ص) غایب شد و باز غایب شد و غایب شد (یک بار در غار حرا و یک بار در شعب ابی طالب خانه عبد الله بن ارقم و یک بار هم در غار ثور)، و این هم من که به مرگ خواهم مرد (یعنی او من نخواهد بود و من به مرگ می‌میرم نه به شمشیر) .

^۱ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۲۵.

^۲ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۸، ح ۹.

^۳ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۱.

^۴ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۰، ح ۲۷.

البته این روایت را فقط نعمانی نقل کرده و مرحوم علامه مجلسی از کتاب وی نقل کرده است^۱ و در منبع روایی دیگری به آن اشاره نشده است.

۲- ویژگی های حضرت مهدی (عج)

— حرمت نام بردن

در آموزه‌های اعتقادی شیعه، «مهدویت»، از پر رمز و رازترین معارف اعتقادی است. از ولادت پنهان حضرت مهدی (عج) گرفته، تا پنهان زیستی او؛ از چگونگی زندگی آن حضرت گرفته تا عمر طولانی اش؛ از چگونگی غیبت ایشان گرفته تا ظهور، قیام و حکومت جهانی بر کره زمین و... اینها، اسراری است که بر عموم مردم، پوشیده مانده و برخی جزو اسرار الهی تلقی شده است.

یکی از این موارد، نام بردن آن حضرت به نام مخصوص (م ح م د) است. این بحث همواره مورد توجه دانشمندان و بزرگان شیعه بوده و در روایات فراوانی از معصومین^۲ مورد اشاره قرار گرفته است.

مرحوم کلینی با ذکر سند به نقل از ریان بن صلت گوید از حضرت رضا (ع) شنیدم که چون راجع به قائم سؤال شد، فرمود:
«وَلَا يُسَمَّى اسْمَهُ»^۲... و نامش برده نشود.

شیخ صدوق همین روایت را از ریان بن صلت در دو جا از کتاب کمال الدین و تمام النعمه، با اندک تفاوتی در سند نقل کرده، با این تفاوت که به جای «وَلَا يُسَمَّى اسْمَهُ»، «وَلَا يُسَمَّى بِاسْمِهِ» آورده است.

— خاتمیت مهدی

یکی از ویژگی های حضرت مهدی (عج) خاتم الاوصیا (پایان بخش جانشینان پیامبر اکرم (ص)) بودن ایشان است. این مطلب در بیانات پیشوایان معصوم (ع) اشاره شده است و

^۱ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۵، ح ۷.

^۲ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۳.

^۳ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲؛ ص ۶۴۸، ح ۲.

آنگاه به طور روشن بر زبان خود آن حضرت در کودکی - آن گاه که در آن سنین لب به سخن گشود - جاری شد.^۱

حسن بن علی خزاز گفت: علی بن ابی حمزه خدمت حضرت رضا (ع) رسید و عرض کرد: آقا شما امام هستید؟ فرمود: آری. او گفت: من از جدت جعفر بن محمد (ع) شنیدم که می فرمود امام نمی باشد مگر کسی که دارای فرزند باشد.
آن جناب فرمود:

فراموش کرده ای یا خود را به فراموشی زده ای پیرمرد! حضرت صادق (ع) چنین نفرمود آن جناب فرمود:

لَا يَكُونُ الْإِمَامُ إِلَّا وَ لَهُ وَ لَدَّ إِلَّا الْإِمَامُ الَّذِي يَخْرُجُ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ لَا عَقِبَ لَهُ؛ امام نخواهد بود مگر کسی که دارای فرزند باشد مگر آن امامی که حسین بن علی (ع) در زمان او خارج می شود و (رجعت می نماید) که او دارای فرزند نخواهد بود.

عرض کردم: راست می گوئید فدایتان شوم! همین طور از جدتان شنیدم.^۲
شیخ طوسی این روایت را در کتاب الغیبه آورده است.^۳ و کشی آن را با اندک تفاوتی در کتاب خود نقل کرده است.^۴

۳- غیبت حضرت مهدی (عج)

سال ها پیش از زاده شدن حضرت مهدی (عج) آن گاه که معصومان (ع) از آن حضرت سخن می گفتند، بی درنگ به پنهان زیستی آن حضرت نیز اشاره می کردند. این پافشاری، بیش از آن که در جهت آگاه کردن شیعیان باشد، برای زمینه سازی و آماده کردن آن ها بود. آنچه بر رمز و راز این مسأله می افزود، پافشاری معصومان (ع) بر سِر بودن این حادثه بود؛ اگر چه گاهی به تناسب، گفته های ارزنده ای درباره آن، به پیروان خود می فرمودند.

^۱ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

^۲ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۳۰.

^۳ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۲۴.

^۴ محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ۴۶۳.

— چگونگی غیبت

مرحوم کلینی با ذکر سند به نقل از ریان بن صلت گوید از حضرت رضا(ع) شنیدم که چون راجع به قائم سؤال شد، فرمود :
لَا يُرَى جِسْمُهُ وَ...؛ اشخصش دیده نشود و... .
شیخ صدوق همین روایت را به نقل از ریان بن صلت در دو جا از کتاب کمال الدین و تمام النعمه ذکر کرده است.

— فلسفه غیبت

بحث از چرایی‌ها و سبب‌های پنهان‌زیستی حضرت مهدی(عج) یکی از بحث‌هایی است که همواره مورد توجه علاقه‌مندان به مباحث مهدویّت بوده است.^۳ امام رضا(ع) نیز به برخی از فلسفه‌های غیبت این‌گونه اشاره کرده‌اند:

زیر بیعت نبودن کسی:

مضمون برخی روایات، این است که آن حضرت، با غیبت خود، از بیعت با طاغوت‌های زمان در امان خواهد بود.

حسن بن علی بن فضال از امام رضا(ع) نقل کرده است که حضرت فرمودند :
كَانِي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّلَاثَ مِنْ وُلْدِي يَطْلُبُونَ المَرْعَى وَ لَا يَجِدُونَهُ؛ گویا شیعه را می‌بینم، آن زمان که سومین نفر از فرزندانم را نمی‌یابند و بدنبال این هستند که کسی امور آنان را بدست گیرد و شوونشان را تدبیر نماید ولی او را نمی‌یابند،
عرض کردم: چرا یا ابن رسول الله؟!
حضرت فرمودند:

لَأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ؛ زیرا امامشان غائب می‌گردد،

عرض کردم چرا؟

فرمودند:

^۱ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۳.

^۲ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲؛ ص ۶۴۸، ح ۲.

^۳ البته توجه به این نکته ضروری است که دانش دقیق و تفصیلی درباره این چرایی‌ها و سبب‌ها، اگر چه می‌تواند در باور به مهدویّت مؤثر باشد، بدان معنا نیست که ندانستن آن خللی در این باور ایجاد نماید؛ از این رو، آگاهی اجمالی به آن نیز کافی است.

لِنَّا يَكُونُ فِي عُنُقِهِ لِأَحَدٍ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ؛^۱ زیرا در هنگام قیام، بیعت کسی در گردن او نباشد (و با اجبار با ظالم زمان خود بیعت نکرده باشد).
این روایت را شیخ صدوق با اندک تفاوتی در دو کتاب دیگر خود نیز نقل کرده است.^۲
علامه مجلسی نیز از این دو کتاب در دو جا روایت را آورده است.

– آزمایش های سخت

یکی دیگر از حکمت‌های غیبت حضرت مهدی (عج) آزمایش مردم است .

صفوان بن یحیی گوید: امام رضا (ع) فرمود :
وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَ تَمَيِّزُوا وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ
فَالْأَنْدَرُ؛^۳ آنچه شما چشمان خود را به سویش می‌دارید (منتظر و چشم به راه آن هستید)
واقع نخواهد شد تا اینکه پاکسازی و جداسازی شوید و تا اینکه نماند از شما مگر هر چه
کمتر و کمتر».

البته در دو نقل دیگر نخست شیخ مفید (م ۴۱۳ق) و پس از آن مرحوم اربلی (م ۶۹۳ق)،
این روایت به جای «مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ» جمله «مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ» ذکر شده، با
اضافه‌ای این‌گونه نقل کرده است:

لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ أَعْنَاقَكُمْ إِلَيْهِ حَتَّى تَمَيِّزُوا وَ تُمَحَّصُوا فَلَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْقَلِيلُ ثُمَّ قَرَأَ الْم
أُ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ ثُمَّ قَالَ إِنْ مِنْ عِلْمَاتِ الْفَرَجِ حَدِثَا
يَكُونُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ وَ يَقْتُلُ فُلَانٌ مِنْ وَلَدِ فُلَانٍ خَمْسَةَ عَشَرَ كَبْشًا مِنَ الْعَرَبِ؛^۴ که مکشید
چشم‌های خود را به سوی او تا تمیز کرده شوند، و آزموده گردند خلائق، پس باقی نماند
از شما مگر اندکی، بعد از آن خواند این آیت را که الْم أ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا

^۱ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۶.

^۲ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۰، ح ۱۴.

^۳ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲، ح ۱؛ ج ۵۲، ص ۹۶، ح ۱۴.

^۴ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۸، ح ۱۵.

^۵ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۶.

^۶ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه (ع)، ج ۲، ص ۴۶۱.

آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ (عنكبوت/۱-۲) پس از آن فرمود: از علامات فرج پدیده‌ای باشد که واقع شود میان هر دو مسجد، و بکشد فلان ولد فلان پانزده کس از عرب. علامه مجلسی نیز آن را به نقل از نعمانی آورده است.^۱

—خضر از همراهان مهدی در عصر غیبت

حسن بن علی بن فضال گوید از امام رضا(ع) شنیدم که می فرمود:
إِنَّ الْخَضِرَ (ع) شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّى يُنْفَخَ فِي الصُّورِ وَ إِنَّهُ لَيَأْتِينَا فَيَسَلُّمُ فَنَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ لَا نَرَى شَخْصَهُ وَ إِنَّهُ لَيَحْضُرُ حَيْثُ مَا ذُكِرَ فَمَنْ ذَكَرَهُ مِنْكُمْ فَلَيْسَلَّمْ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَقْضِي جَمِيعَ الْمَنَاسِكِ وَ يَقِفُ بِعَرَفَةَ فَيُؤَمِّنُ عَلَي دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيُؤَنِّسُ اللَّهُ بِهِ وَ حَشَّةً قَائِمًا فِي غَيْبَتِهِ وَ يَصِلُ بِهِ وَ حَدَّثَهُ؛^۲ خضر(ع) از آب حیات نوشید و او زنده است و تا نفخ صور نخواهد مرد و او نزد ما می آید و سلام می کند و آوازش را می شنویم اما شخصش را نمی بینیم و او هر جا که یاد شود حاضر می شود و هر که او را یاد کند بایستی بر او سلام کند و او همه ساله در موسم حج حاضر می شود و همه مناسک را به جا می آورد و در بیابان عرفه وقوف می کند و بر دعای مؤمنین آمین می گوید و خداوند به واسطه او تنهائی قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل کند و غربت و تنهائیش را با وصلت او مرتفع سازد.

قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ق) روایت را با اضافه ای در پایان آن نقل کرده^۳ و مرحوم مجلسی نیز آن را از کمال الدین و تمام النعمه آورده است.^۴

۴- انتظار حضرت مهدی (عج)

شادابی و پویایی بشر در طول دوران زندگی فردی و اجتماعی، مرهون نعمت «امید» و «انتظار» است. اگر انسان، به آینده امیدی نداشته باشد، زندگی برایش مفهوم چندانی نخواهد داشت. آنچه انسان را به زندگی امیدوار می کند و آن را جاذبه دار می سازد و

^۱ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۴، ح ۳۰.

^۲ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹۰، ح ۴.

^۳ قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۷۴.

^۴ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۹، ح ۱۷.

نگرانی‌ها و ناراحتی‌ها را برای او آسان می‌نماید، انتظار و امید به آینده‌ای روشن و رشد آفرین است که در آن، به تمام نیازهای روحی و جسمی او به طور کامل پاسخ داده شود. آدمی در پرتو همین انتظار و امید، رنج‌ها و گرفتاری‌ها را تحمل می‌کند و با کشتی امید و آرزو در دریای متلاطم و طوفان‌زای زندگی، به سیر خود ادامه می‌دهد.

شیعه، با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت(ع)، این امید و انتظار به آینده را در متعالی‌ترین نوع خود، فراراه انسان‌های آزاداندیش و آزادی‌خواه قرار داده است.

– فضیلت انتظار فرج

مرحوم عیاشی (م ۳۲۰ق) در تفسیر خود از احمد بن محمد گوید از امام رضا(ع) شنیدم که فرمود:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ؛ اچقدر صبر پیشه گرفتن و انتظار فرج کشیدن نیکو است! شیخ صدوق نیز روایت را در کتاب خود آورده است.^۲

و در جای دیگر از آن امام همام به نقل جدّ بزرگوار خود رسول اکرم (ص) نقل کرده است: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ؛ افضل اعمال امت من انتظار کشیدن آنها است گشایش خدا را در امورات.

۵– اشتیاق امام رضا(ع) به حضرت مهدی(عج)

یکی از وظایف مهم شیعیان، محبت و دوستی امام است و هر قدر محبت بیشتر شد، نشان از وجود سنخیت با آن انوار مقدس است. این هم‌سنخی نیز هر قدر افزایش یابد، نشان از تقرّب به ذات اقدس الهی است و این والاترین کمال است.

از آنجایی که خود پیشوایان معصوم(ع) به مقام والای امام و امامت شناختی کامل دارند؛ وقتی سخن از یک امام پیش می‌آید، در نهایت بزرگداشت از او یاد می‌کنند.

^۱ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰.

^۲ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۵.

^۳ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۳۶، ح ۸۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۳.

در منابع معتبر اولیه نقل شده است که: عبدالسلام هروی گوید: از دعبل بن خزاعی شنیدم که می‌گفت: بر مولای خود امام رضا(ع) قصیده خود را خواندم که چنین آغاز می‌شود:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَ مَنَزِلٌ وَحْيٍ مُقْفِرُ الْعَرَصَاتِ
و چون به این ابیات رسیدم:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يُجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَ النِّقَمَاتِ

امام رضا(ع) به سختی گریست. سپس سر خود را بلند کرده و به من فرمود:
يَا خُزَاعِي نَطَقَ رُوحُ الْقُدْسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَذَيْنِ الْبَيِّنَيْنِ فَهَلْ تَدْرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ وَ مَتَى يَقُومُ؟ ای خزاعی! روح‌القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرده است آیا می‌دانی این امام کیست و کی قیام خواهد کرد؟

گفتم:

خیر ای سرورم، جز اینکه شنیده‌ام امامی از شما خاندان خروج می‌کند و روی زمین را از فساد پاک و جهان را پر از عدل و داد می‌نماید،

آن جناب فرمود:

الإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدٌ ابْنِي وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمَطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ أَمَّا مَتَى فَأَخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ فَقَالَ مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يُجَلِّيهَا لَوْ قَتَلَهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً؛ ای دعبل، امام پس از من فرزندم محمد است، و پس از محمد پسرش علی و پس از وی فرزندش حسن و پس از او ولدش حجت قائم که در زمان غیبتش انتظار او را کشند و در زمان حضور و ظهورش بر همه جهانیان مطاع و فرمانده باشد، و اگر از روزگار باقی نماند مگر یک روز، خداوند، آن یک روز را طولانی میکند تا او خارج شود و روی زمین را پر از عدل و داد کند، همچنان که پر از ظلم و جور شده است، و اما کی و

^۱ شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۶.

در چه وقت این واقعه روی خواهد داد؟ این مانند از خبر دادن بوقت قیامت است، و پدرم برای من از پدرش از اجداد بزرگوارش حدیث کرد که برسول خدا گفتند: یا رسول الله چه وقت قائمی که از ذریه شماست خروج می کند؟ فرمود: مثل آن مثل ساعت قیامت است که آشکار نکند آن را مگر خداوند، بسیار گران است آن بر اهل آسمانها و اهل زمین، نمی آید آن مگر ناگهان، یعنی همان طور که قیامت وقتش برای احدی معلوم نیست این قیام نیز بر کسی معلوم نخواهد بود اما آمدنش برای بسیاری از مردم گران تمام خواهد شد.

همه کسانی که این روایت را در منابع نخستین نقل کرده اند، به همین صورت ذکر کرده اند.^۱

البته شیخ صدوق در جایی دیگر از کتاب عیون اخبار الرضا(ع) روایت را به تفصیل بیشتری نقل و در آنجا این اضافه را از امام رضا(ع) بیان کرده است

وَ قَبْرُ بَطُوسٍ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ تَوَقَّدُ فِي الْأَحْشَاءِ بِالْحُرُقَاتِ
إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا يُفَرِّجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ

دعبل گفت: یا ابن رسول الله بفرمائید که در طوس قبر کیست؟
حضرت فرمودند:

آن قبر من است که روزگاری نمی گذرد مگر اینکه طوس محل آمد و رفت شیعیان و زوآر قبر من می شود، و اعلام میکنند که هر کس مرا در زمان غربت قبرم در طوس زیارت کند او در درجه من با من همدم خواهد بود در حالی که خداوند او را از گناه پاک و آمرزیده باشد.

سپس حضرت پس از اینکه قصیده دعبل بپایان رسید از جای برخاست و دعبل را گفت که بر جای خود بماند، و به درون خانه رفت، و ساعتی گذشت خادم آن حضرت با کیسه ای

^۱ علی بن محمد خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۷۶؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۶؛ امین الاسلام طبرسی، اعلام الوری، ص ۳۳۱؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۲۸؛ علی بن عبدالکریم نیلی، منتخب الانوار المضيئة، ص ۳۹؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴؛ و کتاب های دیگر.

^۲ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۲۶۳، ح ۳۴.

از زر که دارای یک صد دینار بود بیرون آمد، و آن را به دعبل داد- و سکه آن دینارها بنام حضرت بود- و به دعبل گفت: مولایت فرموده است: این کیسه زر را نفقه خود کن، یادآور می شوم این روایت در برخی منابع معاصرین با تغییراتی نقل شده که مبنای ایستادن هنگام شنیدن لقب «قائم» است در این نقل روایت است که چون دعبل، قصیده معروف خود را برای امام رضا(ع) خواند، آن حضرت دست بر سر نهاده و به حالت تواضع ایستاد و برای فرج آن حضرت دعا کرد.^۱ که البته با توجه به نقل متفاوت آن در منابع نخست، تأکید بر این نقل معاصر محل تأمل است.

۶- ظهور حضرت مهدی (عج)

برانگیخته شدن و ظهور مهدی موعود(عج)، بزرگ‌ترین حادثه‌ای است که در پایان دوران رخ می‌دهد و به آرمان بلند همه پیامبران الهی و آرزوی همه انسان‌ها جامعه عمل پوشانده می‌شود. ظهور او به عنوان سرآغاز بنیان جهانی است که در آن همه انسان‌ها بر محور عدل، آخرین صفحات کتاب زندگی روی زمین را به نگارش در می‌آورند. ظهور او عینیت بخشی به وعده‌های همه پیامبران الهی در تحقق جامعه آرمانی بر مدار یکتاپرستی است. او نه فقط موعود آموزه‌های ادیان الهی که پاسخی است از خداوند به میل درونی و نیاز فطری همه انسان‌ها. ظهور او، برانگیخته شدن انسانی است بی‌مانند که برای تحقق اهداف دیرینه همه انبیا و اولیای خداوند به پا می‌خیزد تا به نور ایمان و عدالت، سرتاسر گیتی را روشن کند. در برخی روایات برای آن حضرت هنگام ظهور ویژگی‌هایی بیان شده است.

- ویژگی های جسمانی مهدی هنگام ظهور

ابو صلت هرّوی گوید: به امام رضا(ع) گفتم: علامات ظهور قائم شما چیست؟
فرمود:

^۱ لما قرأ دعبل قصیدته المعروفه علی الرضا و ذکره عجل الله تعالی فرجه وضع الرضا (ع) یدیه علی رأسه و تواضع قائماً و دعی له بالفرج؛ لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۴۰، ح ۳. (لازم به ذکر است شبیه چنین تعبیری در هیچ یک از ده‌ها کتاب پیشینیان و پسینیان که این روایت را نقل کرده‌اند به چشم نمی‌خورد).

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَّ الْمَنْظَرِ حَتَّىٰ إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لَيَحْسَبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي حَتَّىٰ يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ؛^۱ نشانه‌اش این است که در سن پیری است ولی منظرش جوان است به گونه‌ای که بیننده می‌پندارد چهل ساله و یا کمتر از آن است و نشانه دیگرش آن است که به گذشت شب و روز پیر نشود تا آنکه اجلش فرا رسد.

علامه مجلسی روایت را از کتاب کمال الدین و تمام النعمه نقل کرده است.^۲ برخی با استفاده از این روایت احتمال طبیعی بودن مرگ آن حضرت را مطرح کرده‌اند.

— نشانه های ظهور

یکی از بحث‌هایی که به گونه‌ای در کانون توجه علاقه‌مندان مباحث مهدویت و نیز دشمنان این باور قرار گرفته، بحث «نشانه‌های ظهور» است .

نخستین گام بررسی کامل و نتیجه‌بخش این بحث، مراجعه به روایات و سخنان بزرگان دین است که از رخدادهای شگرف و شگفت‌آور در پایان دوران حکایت دارند. و امامان معصوم به گونه‌های مختلفی به این امور اشاره کرده‌اند.

احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا(ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود:
قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ السُّفْيَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ وَالْمَرْوَانِيُّ وَشُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ فَكَيْفَ يَقُولُ هَذَا هَذَا؟^۳
پیش از این امر، سفیانی و یمانی و مروانی و شعیب بن صالح باید ظاهر شوند پس چگونه این شخص (یعنی محمد بن ابراهیم بن اسماعیل که معروف به ابن طباطبا است) چنین ادعا می‌کند؟

صرف نظر از چگونگی سند و محتوای روایت یگانه کسی که آن را نقل کرده مرحوم نعمانی در الغیبه و پس از آن علامه مجلسی در بحار الانوار است.^۴ ناگفته نگذرم طبق روایات دیگر فقط سفیانی و یمانی در شمار نشانه‌های حتمی ظهور دانسته شده است.

^۱ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۲، ح ۱۲.

^۲ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵، ح ۱۶.

^۳ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۳، ح ۱۲.

^۴ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳، ح ۹۹.

—ندای آسمانی

یکی از نشانه‌هایی که از آن به عنوان امری حتمی یاد شده است ندای آسمانی است .
حسن بن محبوب از امام علی بن موسی الرضا (ع) روایت کرده که در ضمن حدیث طولانی - که ما آنچه مورد احتیاج بود از آن خلاصه کردیم - فرمود:
لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلِمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَّانَةٍ وَوَلِيَجَةٍ وَذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّلَاثِ
مِنْ وُلْدِي يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ كَمِ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَّانُ حَزِينٌ عِنْدَ
فَقْدِ الْمَاءِ الْمَعِينِ كَأَنِّي بِهِمْ أَسْرًا مَا يَكُونُونَ وَ قَدْ نُودُوا نِدَاءً يَسْمَعُهُ مَنْ بَعْدَ كَمَا يَسْمَعُهُ مَنْ
قَرَبَ يَكُونُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَابًا عَلَى الْكَافِرِينَ فَقُلْتُ وَ أَيُّ نِدَاءٍ هُوَ قَالَ يُنَادُونَ فِي رَجَبٍ
ثَلَاثَةَ أَصْوَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ صَوْتًا مِنْهَا أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ وَ الصَّوْتِ الثَّانِي أَرْقَتِ الْأَزْفَقُ
يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الصَّوْتِ الثَّلَاثِ يَرُونَ بَدَنًا بَارِزًا نَحْوَ عَيْنِ الشَّمْسِ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ
كَرَّفِي فِي هَلَاكِ الظَّالِمِينَ؛ آشوبی روی می‌دهد که زیرکان و شخص با احتیاطی که از خواص
ما می‌باشند نیز دامنش به آن ورطه کشیده می‌شود و این هنگامی است که شیعیان سومین
(امام) از اولاد مرا از دست بدهند. اهل آسمان و زمین بر وی گریه می‌کنند. چه بسیارند
مؤمنانی که هنگام از دست رفتن «ماء معین» آب صاف و زلال (قائم) متأسف و تشنه و
محزون می‌باشند.

گویا آنها را می‌بینم که بسیار مسرورند! آنها را صدا می‌زنند و آن صدا از دور شنیده
می‌شود. چنان که از نزدیک شنیده می‌شود، و آن صدا برای اهل ایمان رحمت و برای کفار
عذاب است، عرض کردم: آن صدا چیست؟ فرمود: در ماه رجب سه صدا از آسمان شنیده
می‌شود: صدای اول اینست: «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» یعنی آگاه باشید خدا مردم
ستمگر را لعنت می‌کند، صدای دوم می‌گویند: ای اهل ایمان روز رستخیز نزدیک است و
در صدای سوم شخصی را در سمت خورشید می‌بینند که می‌گوید: این امیر المؤمنین است
که برای کشتن بیدادگران حمله می‌آورد.

^۱ شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۳۹.

این روایت پیش از شیخ طوسی با اندک تفاوتی در الغیبه نعمانی^۱ و دو کتاب از آثار شیخ صدوق نقل شده است.^۲ و برخی از بزرگان چون طبری^۳ و قطب الدین راوندی^۴ نیز آن را نقل کرده اند.

—امدادهای الهی در عصر ظهور

بی گمان عواملی چند دست به هم داده و زمینه‌های پیروزی حضرت مهدی(عج) را در قیام جهانی فراهم می‌کنند. اساسی‌ترین و اصلی‌ترین عامل این پیروزی، شخصیت خود آن حضرت است؛ آن‌گاه یاران و یاوران ایشان و در کنار آن دو، امدادهای غیبی خداوند نقش آفرین است.

اگر چه اساس این قیام بزرگ، بر امور طبیعی و سنت‌های جاری خداوند است؛ اما به اقتضای عظمت و گستردگی آن در همه کره زمین، و نیز مجهز بودن دشمنان به امکانات بسیار و پیشرفته، خداوند برخی از نیروهای پنهان و فوق طبیعی را در اختیار او قرار خواهد داد تا موجبات پیروزی ایشان، هر چه بهتر فراهم شود. در برخی از سخنان پیشوایان معصوم (ع) به این امدادها اشاره شده است.

—نزول فرشتگان

مهم‌ترین مصداق کمک‌های پنهان خداوند، آمدن فرشتگان به یاری پیامبران و اولیای خود است. بخش قابل توجهی از آیات قرآن، از یاری فرشتگان به پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان در جنگ‌های صدر اسلام حکایت می‌کند.^۵ در برخی روایات از فرشتگان به عنوان امدادهای الهی در قیام حضرت مهدی(ع) یاد شده است.

شیخ صدوق در روایتی مفصل در باره شهادت امام حسین(ع) به نقل از ریان بن شیبب گوید: ... امام رضا(ع) فرمود :

^۱ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۰، ح ۲۸.

^۲ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع) ج ۲، ص ۶، ح ۱۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۳ و ۴.

^۳ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۵.

^۴ قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۸.

^۵ آل عمران (۳) آیات ۲۳ - ۲۵.

...وَلَقَدْ نَزَلِ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةٌ أَلْفٌ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهَمُّ عِنْدَ قَبْرِهِ شَعْتُ
عُبْرًا إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَشِعَارُهُمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ!...^۱ و چهار هزار
فرشته برای یاریش به زمین آمدند و دیدند کشته شده و بر سر قبرش ژولیده و خاک آلود
باشند تا قائم(ع) ظهور کند و یاریش کند و شعار آنها «یا لثارات الحسین» است .

وی همچنین روایت را در کتاب دیگر خود با اندک تفاوتی نقل کرده است.^۲
البته طبری در دلائل الامامه در این موضوع روایتی را نقل کرده که در هیچ کتاب دیگری
حتی مضمون آن هم نیامده است. در این روایت می خوانیم محمد بن فضیل از امام رضا(ع)
نقل کرده که فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْجُلُوسِ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ فَإِذَا
أَرَادَ وَاحِدٌ حَاجَةً أَرْسَلَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْضِ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَحْمِلَهُ فَيَحْمِلُهُ الْمَلِكُ حَتَّى يَأْتِيَ الْقَائِمَ
فَيَقْضِي حَاجَتَهُ ثُمَّ يَرُدُّهُ وَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ
وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي مَعَ الْمَلَائِكَةِ مَشْيًا وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْبِقُ الْمَلَائِكَةَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَتَحَاكَمُ الْمَلَائِكَةَ
إِلَيْهِ وَ الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَصِيرُهُ الْقَائِمُ قَاضِيًا بَيْنَ مِائَةِ أَلْفٍ مِنَ
الْمَلَائِكَةِ؛ آن هنگام که قائم قیام کند خداوند به فرشتگان فرمان دهد تا بر مؤمنان سلام
کنند و در مجالسشان با آنان همنشین شوند، و چون یکی از آنان حاجتی داشت حضرت
مهدی فرشته‌ای را بفرستد تا او را نزد آن حضرت آورد پس فرشته وی را نزد آن حضرت
آورد و ایشان حاجت او را برآورده کند....

۷- قیام حضرت مهدی (عج)

بر خلاف تصور برخی انسان‌ها همواره پیشوایان معصوم (ع) از سختی‌های قیام جهانی
حضرت مهدی(ع) سخن به میان می‌آوردند.
معمر بن خلّاد گوید: نزد امام ابی الحسن الرضا(ع) از قائم(ع) یاد شد پس فرمود :

^۱ شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۲۹.

^۲ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۸.

^۳ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۱.

أَنْتُمْ الْيَوْمَ أَرْخَى بَالًا مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ قَالُوا وَكَيْفَ قَالَ لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمًا لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَالْعَرَقُ وَالنَّوْمُ عَلَى السَّرُوجِ وَ مَا لِبَاسِ الْقَائِمِ (ع) إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛^۱ شما امروز آسوده تر از آن روز هستید، عرض کردند: چگونه؟ فرمود: اگر قائم ما علیه السلام خروج کند جز خون بسته شده و عرق و بر روی زین های اسبان خفتن چیزی در کار نخواهد بود و لباس قائم (ع) جز جامه خشن و خوراک او جز غذای ناگوار و نامطبوع نخواهد بود. در این روایت آن حضرت ذهنیت نادرست برخی را در این زمینه اصلاح کرده آنها را به آمادگی برای آن حرکت بزرگ جهانی توصیه کرده است. این روایت را فقط نعمانی در دو جا از کتاب خود با اندک تفاوتی نقل کرده است و مرحوم مجلسی نقل مفصل تر را انتخاب و آن را نقل کرده است با این تفاوت که به جای «وَالنَّوْمُ عَلَى السَّرُوجِ» «وَالْقَوْمُ عَلَى السَّرُوجِ» آورده است. که البته معنای این بخش روایت متفاوت خواهد شد.

– انتقام حضرت مهدی از قاتلان امام حسین (ع)

یکی از ابعاد قیام حضرت مهدی (عج) – افزون بر جنبه های اصلاح گری، انسان سازی، عدالت گستری، کمال بخشی و احیاگری دین خداوند – خون خواهی از دشمنان خداوند، پیامبر اعظم (ص)، اهل بیت (ع) و همه ستمدیدگان تاریخ است. که البته در این میان خون خواهی از سید الشهداء (ع) از ویژگی خاصی برخوردار است. بنابراین با استفاده از روایات حقیقت این انتقام روشن می شود.

شیخ صدوق در دو کتاب از آثار خود نقل کرده که عبد السلام ابن صالح هروی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا (ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا در باره روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده و آن حضرت فرمودند: هر گاه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کنند فرزندان قاتلین امام حسین (ع) را به خاطر کردار پدرانشان می کشد چه می فرمایید؟

حضرت فرمودند:

هُوَ كَذَلِكَ؛ واقع همین است.

^۱ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۴، ج ۳؛ ص ۲۸۵، ح ۵.

^۲ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸، ح ۱۲۶.

عرض کردم: پس فرموده حق تعالی در قرآن: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (فاطر/۱۸) (هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد) معنایش چیست؟
حضرت فرمودند:

صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ لَكِنَّ ذَرَارِيَّ قَتَلَهُ الْحُسَيْنَ يَرْضُونَ أفعال آبائهم و يفتخرون بها
وَمَنْ رَضِيَ شَيْئاً كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ فِي الْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ
لَكَانَ الرَّاضِيَ عِنْدَ اللَّهِ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَإِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ؛^۱
خداوند در تمام اقوالش صادق است ولی در عین حال باید توجه داشته باشی که فرزندان
قاتلین امام حسین علیه السلام به افعال و کردار پدرانشان راضی بوده و به آنها افتخار
می کردند و به مقتضای «کسی که به چیزی راضی باشد همچون شخصی است که آن چیز
را انجام داده» فرزندان قاتلین همچون قاتلین سید الشهداء می باشند.

و اگر شخص در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب راضی و خشنود باشد شخص راضی
نزد خدا، با قاتل شریک در قتل می باشد و چون این فرزندان به کردار پدرانشان راضی
می باشند لا جرم حضرت قائم علیه السلام وقتی خروج نمودند ایشان را می کشد.
مرحوم شیخ حر عاملی او علامه مجلسی نیز روایت را در کتاب خود آورده اند.

۸- رجعت

«رجعت» در کتاب های لغت، به معنای «بازگشت» است؛ یعنی برگشتن به جایی که
پیش تر در آن جا بوده است.^۲ اما در اصطلاح مهدویّت، «رجعت» عبارت است از: بازگشت
دو گروه از مردگان - مؤمنان محض و کافران محض - به صورت های پیشین خود،^۳ پس از

^۱ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۵؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۱.

^۲ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۳۸، ح ۲۱۱۸۰.

^۳ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳، ح ۶.

^۴ ر.ک: رازی، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة؛ فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط؛ راغب اصفهانی، مفردات
الفاظ القرآن.

^۵ شیخ مفید، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، (سلسله مؤلفات شیخ مفید، ج ۴)، ص ۷۷.

ظهور حضرت مهدی(ع)،^۱ تا مؤمنان از برپایی حکومت جهانی عدل، دلشاد و کافران، از فرومایگی و پستی ستمگران، دلگیر شوند.^۲

باور به رجعت، که یکی از اعتقادات شیعه است، در طول تاریخ پُر فراز و فرود خود، همواره مورد توجه پیشوایان معصوم بوده است.

تمیم قرشی^۳ به سند متن از حسن بن جهم روایت کرده که گفت :

روزی به مجلس مأمون وارد شدم و حضرت رضا(ع) در آنجا بود، و علمای علم کلام و فقهاء از هر فرقه و طائفه‌ای در آن مجلس بودند، یکی از آنان از حضرت سؤال کرده گفت: یا ابن رسول الله! به چه دلیل امامت برای مدعی آن ثابت می‌شود؟ امام فرمود:

به نصّ و دلیل، سائل پرسید دلالت امام در چیست؟

... پس مأمون پرسید که شما در باره رجعت چه می‌فرمایید؟

امام(ع) فرمود:

إِنَّهَا لِحَقٌّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأَمَمِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأَمَمِ السَّالِفَةِ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ؛^۳ آن بجا و حق است، و در امتهای پیشین هم بوده است، و قرآن مجید هم بدان ناطق است، و رسول خدا(ص) هم فرموده: هر چه در امتهای سابق اتفاق افتاده در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد بی کم و کاست طبق النعل بالنعل و بدون تفاوت (مانند پره‌های تیر).

این روایت فقط در کتاب شیخ صدوق آمده و مرحوم مجلسی نیز از این کتاب نقل کرده است.^۴

۹- نزول حضرت عیسی(ع)

فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا، عیسی بن مریم هنگام قیام امام مهدی(عج)، از دیدگاه همه مسلمانان، یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد. این حادثه

^۱ سید مرتضی، جوابات المسائل الرازیه (رسائل الشریف، ج ۱)، ص ۱۲۵.

^۲ مرحوم مظفر، عقاید الامامیه، ترجمه علیرضا مسجد جامعی، ص ۲۹۴.

^۳ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۱.

^۴ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۳۴، ح ۶.

بزرگ از شگفت انگیزترین حوادث تاریخ، مهم‌ترین رخدادها، بزرگ‌ترین نشانه‌ها و پرشکوه‌ترین دلیل‌ها بر حقانیت امام مهدی(ع) است.

در ادامه روایت بالا آن حضرت فرمود:

إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي نَزَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع) فَصَلَّى خَلْفَهُ؛ هر گاه مهدیّ امت از اولاد من خروج کند عیسی بن مریم نازل شود، و پشت سر او با او نماز گزارد.
و فرمود:

إِنَّ الْأِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ غَرِيباً فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛ اسلام با غریبی شروع شد و به زودی که به غربت باز گردد، پس خوشا به حال غربا.
پرسیدند: یا رسول الله سپس چه خواهد شد؟
فرمود:

ثُمَّ يَرْجِعُ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ؛ سپس حقّ به صاحبش باز خواهد گشت.
به امید آن روز نورانی

^۱ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۲.

منابع و مأخذ

اربلى، على بن عيسى، كشف الغمّة فى معرفة الأئمّة^[1]، تبريز، مكتبة بنى هاشمى، ۱۳۸۱ق.
راوندى، قطب الدين، الخرائج والجرائح، سه جلد، چاپ اول، قم، موسسه امام مهدي(ع)،
۱۴۰۹ق.

خزاز قمى، على بن محمد، كفاية الاثر، قم، بيدار، ۱۴۰۱ق .

صدوق، محمد بن على بن حسين بن بابويه، كمال الدين و تمام النعمه، قم، دارالكتب
الاسلاميه، ۱۳۹۵ق.

صدوق، محمد بن على بن حسين بن بابويه، كمال الدين و تمام النعمه، دو جلد، چاپ دوم،
قم، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۹۵ق.

_____ عيون اخبار الرضا(ع)، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق.

_____ أمالى، تهران، كتابخانه اسلاميه، ۱۳۶۲ش.

طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى، تهران، دارالكتب الاسلاميه [ابى تا].

طبرى، محمد بن جرير بن رستم، دلائل الامامه، قم، دارالذخائر للمطبوعات، بى تا.

طوسى، محمد بن الحسن، كتاب الغيبه، چاپ اول، قم، موسسه معارف اسلامى، ۱۴۱۱ق.

عكبرى، محمد بن محمد بن النعمان (شيخ مفيد)، الارشاد، قم، كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.

عياشى، محمد بن مسعود، تفسير عياشى، بيروت، منشورات اعلمى، ۱۴۱۷ق.

كشى، محمد بن عمر، رجال كشى، دانشگاه مشهد، مشهد: ۱۳۴۸ش.

كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، هشت جلد، چاپ چهارم، تهران، دارالكتب الاسلاميه،
۱۳۶۵ش.

مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، بيروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

مظفر، محمد رضا، عقايد الاماميه، علي رضا مسجد جامعى، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامى، ۱۳۸۰ش.

مقدسى شافعى، يوسف بن يحيى، عقد الدرر فى اخبار المنتظر، قم، ناصح، ۱۴۱۶ق.

نعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبه، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۳۹۷ق .

نيلى نجفى، على بن عبدالكريم، منتخب الانوار المضيئه، قم، چاپخانه خيام، ۱۴۰۱ق.